

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

راه دوّم: از راه وضع تعین است. بعد از این که شارع لفظ صلاة را برای آن صحیح تام الأجزاء و شرایط وضع کرد، این لفظ يك يا دو یا چند بار در فاقد الاجزاء، مجازاً استعمال می شود؛ ولی بعد از این دفعه یا دفعات نسبت به آن فاقد الأجزاء هم استعمالش حقیقی می شود از باب وضع تعین، با این توضیح که:

در باب وضع تعین در سایر موارد به کثرت استعمال نیاز داریم به طوری که اگر استعمال يك لفظی در معنای مجازی بخواهد حقیقی شود باید کثرت استعمال محقق شود و اگر لفظی کثیراً در معنای مجازی استعمال شد این کثرت استعمال، آن معنا را به حدّ حقیقت می رساند.

اما اعمی در این جا می گوید: برای وضع تعین، نیاز به کثرت استعمال نداریم؛ بلکه وقتی لفظ صلاة که يك يا دوبار در فاقد الأجزاء استعمال شد این مقدار، وضع تعین را درست می کند؛ زیرا بین آن معنای حقیقی (نماز صحیح تام الأجزاء) و معنای مجازی (نماز فاقد بعض الأجزاء) يك انسی وجود دارد که این انس از دو جهت است: مشارکت در صورت و ظاهر - نماز فاسد که بعضی الاجزاء را ندارد با نماز تام الاجزاء در ظاهر و صورت شریک است - و مشارکت من حیث الأثر. این دو جهت برای انسان بین این نماز فاقد و نماز واجد يك انسی را ایجاد می کند و همین انس، مصحح استعمال حقیقی لفظ صلاة در فاقد الأجزاء است.

سپس اعمی يك تشبیهی دارد به این که این بیان ما شبیه الفاظی است که برای معجونها وضع شده است، مثلاً عقلاء و عرف، ابتداءً معجونی مرکب که تمام اجزاء - یعنی: 5 جزء - را دارد، موضوع له قرار می دهند و لفظ را در مقابل آن وضع می کنند؛ ولی بعداً همین لفظ را در معجونی که بعضی اجزاء را دارد استعمال می کنند. عین همین مطلب در مانحن فیه هم هست که ابتدا لفظ صلاة برای تام الأجزاء وضع شده است و سپس در فاقد الأجزاء هم استعمال شده است.

جواب آخوند: این قیاس هم مع الفارق است. وجه فارق که بین مقیس و مقیس علیه است این است که در معجونها ما ابتداءً يك معجون تام الاجزاء را در نظر می گیریم که مثلاً معجون 5 جزئی را تام الاجزاء می دانیم و به این ترتیب ابتداءً مصداق تام الاجزاء برای ما مشخص و معین است، ولی در باب نماز نمی توانیم يك نماز صحیح مطلق را معین کنیم و ما نماز صحیح مطلق نداریم؛ زیرا اولاً خود نماز صحیح به اختلاف حالات مختلف است، مثلاً يك نماز 4 رکعتی برای شخص حاضر، صحیح است و برای مسافر، نماز 2 رکعتی صحیح است.

و ثانیاً همان نماز 4 رکعتی بالنسبة به حاضر، صحیح است و بالنسبة به مسافر، باطل است.

در معجونها، می توان يك معجون خاص را معین کرد و آن را با اجزاء معینی - مثلاً 5 جزء - به عنوان قدر جامع به يك نام خاصی

نامگذاری کنیم؛ ولی در مانحن‌فیه يك نماز صحیح که مطلقاً - در تمام حالات - صحیح باشد نداریم.

بعد آخوند در آخر جوابشان يك فتأمل دارند که می‌خواهند اشکال دومی را ذکر کنند.

تصویر پنجم

اعمی‌ها گفته‌اند: این الفاظ صلاة و عبادات مانند الفاظی است که برای اوزان وضع شده است.

توضیح: يك قسم الفاظی داریم، مثل: مثقال، خروار، کیلو و ... که این الفاظ برای خصوص يك مقدار معین بدون هر گونه کم و زیادی وضع نشده است؛ مثلاً مثقال را واضح وضع کرده است برای يك مقداری، اعمّ از این که کمتر از آن مقدار یا زیاده‌تر باشد و در يك مثقال گندم این‌طور نیست که اگر يك سر سوزن کم یا زیاد شد، بگویند: مثقال متحقق نمی‌شود.

بنابر این، همانگونه که در اوزان و مقادیر، لفظ برای يك مقدار معین مضبوط بدون هر گونه کم و زیادی وضع نشده است، بلکه لفظ برای يك مقداری، اعمّ از این که کمتر از آن مقدار یا زیاده‌تر باشد، وضع شده است، در مانحن‌فیه هم لفظ صلاة وضع شده است برای اعمّ از این که نماز تمام اجزاء را داشته باشد یا بعض اجزاء را نداشته باشد.

سپس در این تصویر همان دو راه را جا تکرار می‌کنند به اینکه:

شارع، لفظ صلاة را برای صحیح تام الاجزاء وضع می‌کند، ولی اگر در فاقد الاجزاء استعمال کرد مثل آن جاست که لفظ مثقال در يك کمی بیشتر یا کمتر استعمال شود.

جواب آخوند: همان اشکالی که به تصویر چهارم کردیم در این جا هم موجود است؛ زیرا در مثقال يك چیزی وجود دارد که محور قرار می‌گیرد، مثلاً می‌گویند: 10 نخود، که اگر سر سوزنی از آن کم یا زیاد شد، ضرری به اسم مثقال وارد نمی‌کند؛ ولی در مانحن‌فیه چه چیزی و کدام فعل را می‌توانید به نحو مطلق محور قرار داده و بگویید این فعل، محور است و اگر يك مقداری کم یا زیاد شد به صدق لفظ لطمه نمی‌زند؟ پس در الفاظ عبادات يك صحیح مطلق نداریم.

خلاصه مطلب سوم

مرحوم آخوند فرمودند: چون که موضوع له در الفاظ عبادات را عام می‌دانیم، هم قائل به صحیح و هم به قائل به اعمّ باید يك قدر جامعی را تصویر کند.

و آخوند در این مطلب اثبات کردند که - بنا بر قول صحیحی - بین نمازهای صحیح می‌توانیم قدر جامع عام درست کنیم ولی اسم آن را نمی‌دانیم چیست و از باب این که تمام نمازهای صحیح اثر واحد دارند و اثر واحد هم مؤثر واحد می‌خواهد، پس کشف می‌کنیم که قدر جامع واحدی بین تمام نمازهای صحیح وجود دارد.

أمّا بنابر قول به اعمّ، 5 قدر جامع است که همه آنها مردود است.

ظاهر این است که الفاظ عبادات، هم وضع و هم موضوع له آنها عام است.

بعضی‌ها احتمال داده‌اند که موضوع له الفاظ عبادات، خاص باشد، یعنی: لفظ صلاة برای افراد نمازهای خارجی وضع شده است؛ ولی آخوند می‌گوید: موضوع له لفظ صلاة، افراد خارجی نیست، بلکه يك معنای کلی قدر جامع است و يك دليل بر این مطلب ارائه می‌کند:

دلیل: ما يك رواياتی داریم که در آنها لفظ صلاة قطعا در افراد صلاة خارجی استعمال نشده است، بلکه در يك معنای کلی و جامع استعمال شده است، مثل روایت: «الصلاة معراج المؤمن» که معلوم است که کاری به صلاة زيد و ... ندارد و به صورت يك قضیه حقیقیه، طبیعی نماز را مورد نظر قرار می‌دهد.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ